



تاملی بر مبانی نقض از صلاحیت در مقررات دادرسی کیفری ایران با نگاهی بر مقررات فرانسه

عباسعلی قربانیان^۱
علی مزیدی شرف‌آبادی^۲
سید مهدی منصوری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده

یکی از جلوه‌های مهم پاسداشت حق‌های فردی، حق بر دادرسی عادلانه است. رعایت قواعد صلاحیت به عنوان یکی از قواعد آمره از جمله اصول دادرسی عادلانه شناخته می‌شود که نقض آن به طور استثنایی در قانون آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه در قالب نقض از صلاحیت ذاتی و محلی مورد شناسایی قرار گرفته است. پرسش اصلی در این نوشتار این است که مبنای نقض از صلاحیت چیست؟ در این نوشتار با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی موارد نقض از صلاحیت در قانون آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه پرداخته و از این رهگذر بدین نتیجه نائل آمده‌ایم که دو بیان مهم حقوق فردی و امنیت عمومی را می‌توان به عنوان بنیادهای نقض از صلاحیت نام برد. گاهی حکومت برای حفظ حقوق متهم در راستای دادرسی عادلانه قواعد صلاحیت را کنار می‌گذارد، گاهی نیز حکومت برای نظم و امنیت عمومی از قواعد صلاحیت عبور می‌کند. مورد اخیر یکی از مواردی است که به دلیل مشخص نبودن گستره آن می‌تواند موجبات نقض حقوق متهمین را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: مبانی، صلاحیت، قانون آئین دادرسی کیفری، فرانسه، نقض از صلاحیت.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)، abasghorbanian.com@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (استاد راهنما)، Mazidi_ali_46@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (استاد راهنما)، Sm_mansouri89@yahoo.com

قانون آئین دادرسی کیفری آئینه تمام نمای حقوق و آزادی‌های فردی در عرصه قوانین شکلی بشمار می‌آید. یکی از مباحث کلیدی در قانون آیین دادرسی کیفری، تعیین صلاحیت مراجع قضایی می‌باشد. در واقع، پس از ارتکاب بزه می‌بایست از بین تمامی دادگاه‌های کیفری، تعیین گردد که کدام یک صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب بزه را دارا می‌باشد. با توجه به نوع بزه، اهمیت بزه ارتكابی، محل وقوع بزه، موقعیت شغلی و اجتماعی بزه کار و همچنین با در نظر گرفتن سن و درجه نظامی (در مورد افراد نظامی) صلاحیت‌های مراجع قضایی به چهار قسم صلاحیت ذاتی، محلی، شخصی و نسبی تقسیم می‌گردد. اصل صلاحیت مراجع قضایی ریشه در اصل قانونی بودن حقوق کیفری دارد و جزء قواعد الزام آور سپهر حقوق کیفری بشمار می‌آید. یعنی طرفین دعوی و حی مقام تعقیب نمی‌توانند بر اساس توافق قواعد حاکم بر صلاحیت را تعیین نمایند (سپهری، ۱۳۹۴، ۱۹۶). علی‌رغم این نکته، در قواعد آئین دادرسی کیفری و در شرایط خاص، استثنائاتی برای نقض از صلاحیت‌های مذکور پیش‌بینی شده است. دانستن مبانی نقض از صلاحیت به ما کمک می‌کند تا حدود آزادی‌های فردی و امنیت عمومی را شناسایی کنیم و از این رهگذر به یک قاعده درست در این رابطه برسیم.

حقوق فرانسه از خانواده حقوق نوشته و رومی ژرمن است و مبدأ تحولات قانون‌گذاری در کشورهای خاورمیانه شده و در فرانسه نیز تحت تأثیر مجموعه عقاید و افکار دانشمندان و فلاسفه حقوق و علوم اجتماعی نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی در قرن هجدهم میلادی شروع شد و پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ اصلاحات حقوق جزا و قوانین جزایی آغاز شد (قربانیان، ۱۴۰۰، ۲۸). بنابراین، مقایسه مبانی و شرایط نقض از صلاحیت‌ها در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه می‌تواند زمینه‌های شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های موجود در نظام کیفری ایران را تشریح و تبیین نماید.

اینک پرسش اصلی آن است که مبانی نقض از صلاحیت‌ها در نظام کیفری ایران چیست و موضع قانون دادرسی کیفری فرانسه در این مورد چگونه است؟ پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تلاش نموده تا ضمن پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، پیشنهادات لازم در خصوص چگونگی بکارگیری تجربیات نظام کیفری فرانسه در حوزه نقض از صلاحیت‌ها را ارائه نماید. به همین منظور، ما در این نوشتار ابتدا به موارد نقض از صلاحیت نظر می‌کنیم و سپس بنیان‌های آن را پی می‌گیریم.

در میان انواع صلاحیت، نخست صلاحیت ذاتی قرار دارد که ملاک تعیین کننده آن موضوع اتهام است و از این لحاظ صلاحیت ذاتی مراجع رسیدگی به جرائم ممکن است متفاوت باشد. در نظام حقوقی ما صلاحیت مراجع قضایی و اداری بطور کلی نسبت به یکدیگر از حیث صنف، و صلاحیت دادگاه‌های عمومی و اختصاصی مانند دادگاه عمومی حقوقی و کیفری در برابر دادگاه انقلاب نسبت به یکدیگر از حیث نوع، و صلاحیت دادگاه‌های نخستین و عالی از حیث درجه، ذاتاً متفاوت می‌باشند (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

بر اساس مقررہ ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت محلی عبارت است از صلاحیت مرجع محل وقوع بزه. به عبارت دیگر، متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که بزه در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند بزه در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین بزه در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد

همچنین، در دعوی کیفری نیز برای برخی جرایم بسته به میزان و شدت بزه، صلاحیت کیفری نیز تغییر می‌کند. به عنوان مثال، بر اساس مقررہ ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تمام جرائم مرتبط به مواد مخدر، روانگردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل تحت صلاحیت دادگاه انقلاب است. در واقع دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است زیرا به موجب قانون فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم محدود و خاص را دارد و در خارج از آن چارچوب صلاحیت رسیدگی آن را ندارد. در واقع اصل بر این است که دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مواد مخدر را دارد، مگر در مواردی که در مقررہ ۳۰۳ تصریح شده است. به‌عنوان مثالی دیگر بر اساس مقررہ ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن در صلاحیت کیفری یک می‌باشد. در صورتیکه دیه کمتر از میزان مذکور باشد در صلاحیت دادگاه کیفری دو خواهد بود.

صلاحیت شخصی هم صلاحیتی است که قانون‌گذار با توجه به مقام، شخصیت، موقعیت شغلی و سنی مرتکب بزه تعیین می‌کند به این سان ممکن است دادگاهی که از لحاظ محلی صلاحیت رسیدگی به یک موضوع را ندارد برای رسیدگی به جرایم افراد خاصی اختصاص یابد. در واقع قانون‌گذار بدون توجه به محل وقوع بزه و فقط با توجه به شخص مرتکب، دادگاه صالح دیگری را صالح به رسیدگی می‌داند (جوانمرد، ۱۳۹۲: ۲۲۶).

۲. مروری کوتاه بر موارد نقض از صلاحیت

یکی از موارد نقض از صلاحیت، در محدوده صلاحیت ذاتی است؛ که به دو صورت صدور رای تجمیعی و رعایت قواعد تعدد بزه قابل تصور است. اما، مهم‌تر از این مورد نقض از صلاحیت محلی در قالب موارد امنیتی است. ما در این مبحث هرکدام از این دو مورد را با تاکید بر قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه بررسی می‌کنیم تا بتوانیم مبانی نقض از صلاحیت را به درستی تحلیل نماییم.

۲-۱. موارد نقض از صلاحیت ذاتی؛ تعدد بزه و تجمیع پرونده‌ها

علاوه بر علت امنیت عمومی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، رسیدگی مناسب و مطلوب به پرونده قضایی نیز از جمله توجیهاتی است که می‌تواند برای ارجاع پرونده از یک مرجع قضایی صلاحیت دار محلی به مرجعی دیگر مورد استناد قرار گیرد. این عامل در مقرر ۶۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان گردیده است.

مشابه این مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری ایران وجود ندارد و در عوض مقنن ایرانی توجه خود را در بحث احاله به مواردی مشابه همچون اقامت متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگر، یا نزدیکی بیشتر دادگاه دیگر به محل جغرافیایی بزه به گونه‌ای که آن دادگاه -که صالح نیست- به نحو بهتری بتواند تحقیقات و رسیدگی انجام دهد (بندهای الف و ب ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری). با این حال، رسیدگی کارآمد و منصفانه را می‌توان از جهاتی با دو بند مورد اشاره در قانون ایران نزدیک دانست.

به هر حال مقنن فرانسوی تشریفات و ضوابط بیشتری در مقایسه با قانون ایران برای احاله پرونده در این حالت، تعیین نموده است. درخواست احاله پرونده به استناد این جهت بر خلاف مورد حفظ امنیت عمومی (بند اول مقرر ۶۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) که فقط در انحصار دادستان کل دیوان عالی کشور است، می‌تواند علاوه بر آن از سوی طرفین دعوی و دادستان کل دادگاه تجدیدنظر که بزه در حوزه صلاحیت محلی آن هست، نیز صورت گیرد. در هر صورت اجازه احاله پرونده در حدود اختیارات شعبه جنایی دیوان عالی کشور می‌باشد. افزون بر این، درخواست احاله پرونده، باید به شاکی و متهم دعوی ابلاغ شود و آنها حق دارند ظرف مدت هشت روز لایحه دفاعیه خود را تقدیم دفتر شعبه مربوطه نمایند. به نظر ما مطلوب است که مقنن ایرانی نیز برای احاله پرونده به استناد بندهای الف و ب مقرر ۴۱۹، چنین حقی را برای متهم و شاکی در نظر

می‌گرفت. در هر صورت شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه باید طی هشت روز اتخاذ تصمیم نماید.

۲-۲. موارد نقض از صلاحیت محلی

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲، قانون گذار در مقرر ۱۱۶ ضمن تذکر این نکته که بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می‌کند، جهات قانونی برای شروع به تحقیق را در موارد ذیل بیان داشته است: «الف) بزه در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شده باشد. ب) بزه در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود. پ) بزه در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب بزه در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد».

هرچند قانون گذار موارد فوق را به عنوان جهات قانونی شروع به تحقیق مدنظر قرار داده است، در ادامه در مقرر ۱۱۷ مقرر داشته است: «در مواردی که بزه در خارج از حوزه قضایی محل مأموریت باز پرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شده باشد، باز پرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورد و در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که باز پرس در معیت آن انجام وظیفه می‌کند، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم حداکثر ظرف ۴۸ ساعت به دادسرای محل وقوع بزه می‌فرستد».

بر همین اساس، در مواردی که بزه خارج از حوزه قضایی بازپرس واقع شده است لیکن در حوزه قضایی او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده است، بازپرس مکلف است که تحقیقات مقدماتی لازم را انجام و پرونده را همراه با متهم نزد مقام قضایی صالح در محل وقوع بزه ارسال نماید.

صالح شناختن «محل دستگیری» مرتکب جهت جلوگیری از خروج او از چنگ دستگاه عدالت کیفری صورت گرفته است. اقدامات قانونی قانون گذار در این راستا به این دلیل است که نخست؛ بزه نظم عمومی محل را در مقایسه با سایر مناطق بیشتر خدشه در کرده است. دوم؛ دلایل وقوع بزه غالباً در «محل وقوع» قرار دارند و جمع آوری و دسترسی به آنها آسان و سریع است (رحمدل، ۱۳۹۳: ۱۴۹/۲). شبیه همین موضع در بحث صلاحیت محلی دادگاه در مقرر ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح گردیده و مقرر داشته است: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که بزه در حوزه آن واقع شود...».

قواعد حاکم بر صلاحیت مطلق نیستند. در راستای اصول دادرسی منصفانه و سرعت در رسیدگی و برخی از ملاحظات امنیتی قیودی بر اصول مطلق این قواعد وارد شده است. این قیود به عنوان قواعد «نقض از صلاحیت محلی» در قوانین ایران تبیین می‌شوند. سه حالت نقض از صلاحیت محلی شامل: نقض از صلاحیت محلی به اعتبار شرایطی عمومی، و نقض از صلاحیت محلی برای حفظ نظم و امنیت عمومی و نقض از صلاحیت محلی به اعتبار سختی با پیچیدگی پرونده وجود دارد که هر یک در ذیل شرح داده شده اند:

نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار ملاحظات امنیتی، از موارد مشترک در دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه می‌باشد. بر طبق مقرر ۴۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «علاوه بر موارد مذکور در مقرر قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود».

مطابق با این مقرر منافع عمومی به جهت تامین نظم و امنیت عمومی بر منافع شخصی طرفین دعوی ارجحیت دارد. البته مشخص نیست منظور از حفظ نظم و امنیت عمومی به چه معنی است. یعنی در چه شرایطی نظم عمومی بر منافع فردی و قواعد کلی ارجحیت پیدا می‌کند. بعضی حفظ نظم منطقه مربوطه را از مصادیق این عنوان مطرح نموده اند، مانند اینکه محاکمه میزهی، امنیت شهری را مختل کند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۱۳۳). بازهم نمی‌توان قائل به معیاری تقریباً دقیق برای «حفظ نظم عمومی» شد. به هرروی مطابق با مقرر فوق منافع حکومت به جهت حفظ نظم عمومی تامین می‌گردد. وجود عبارت مذکور کلی و فاقد معیار است. نتیجه چنین عبارت پردازی، ایجاد بستر مناسب برای نقض حقوق طرفین دعوی است. شاید به همین دلیل باشد که بعضی از مصنفین حقوق کیفری چنین مقرره‌ای را خارج از چارچوب‌های موجود دادرسی منصفانه و مغایر آشکار با اصل ۳۴ قانون اساسی مبنی بر حق افراد در دسترسی به دادگاه صالح قانونی دانسته‌اند (آخوندی، ۱۳۹۰: ۱۷۳/۴). در مورد این مقرر قانونی مطلبی که قابل ایراد و انتقاد است، پیشنهاد و تصمیمات مقامات قضایی غیر قابل اعتراض بودن آن است چرا که هیچ کدام از اصحاب دعوا حق اعتراض و حتی ارسال لایحه جهت توجیح و استدلال بر خلاف پیشنهاد داده شده را ندارند در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ضابطه و معیار صلاحیت محلی دادرسی یا دادگاه، نه فقط محل وقوع بزه بلکه محل اقامت یکی از اشخاص مظنون به مشارکت در بزه، همچنین محل دستگیری یکی از این اشخاص (حتی اگر این دستگیری به دلیل دیگری باشد) و محل بازداشت یکی از این اشخاص (حتی هنگامی که بازداشت به علت دیگری صورت گرفته

باشد) تعیین گردیده است که بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری ایران شرایط سهل تری برای صلاحیت محلی در نظر گرفته است.

موارد نقض صلاحیت محلی در نظام‌های حقوقی فرانسه و ایران، شامل دو حالت نقض از صلاحیت محلی شامل نقض از صلاحیت محلی به اعتبار شرایطی عمومی و نقض از صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب به لحاظ نوع بزه ارتكابی است که هر یک در ذیل شرح داده شده‌اند: در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مقرر ۶۶۵ مقرر گردیده است: «حاله یک پرونده از مرجعی به مرجع دیگر می‌تواند به علت امنیت عمومی توسط شعبه جنایی و فقط به درخواست دادستان کل دیوان عالی کشور، دستور داده شود...».

ملاحظه می‌شود که مقنن فرانسوی نیز در بحث امنیت عمومی، رویه‌ای مشابه دارد و تنها تفاوت در مقام صلاحیت دار قضایی درخواست کننده است که در ایران در کنار دادستان کل کشور، رئیس قوه قضاییه نیز از اختیار مشابه برخوردار بوده لیکن در نظام قانونی فرانسه این اختیار منحصر به دادستان کل دیوان عالی کشور است.

ایجاد هیئت‌های همکاری قضایی در سطح دادسرا که بر اساس شدت و پیچیدگی بزه ارتكابی و به تشخیص رئیس دادگاه شهرستان می‌تواند پرونده تحقیقاتی در این هیئت‌های تحقیقاتی مورد رسیدگی قرار گیرد، از سازوکارهای پیش بینی شده توسط مقنن فرانسوی در جهت انجام تحقیقات هر چه بهتر و سریعتر محسوب می‌گردد. علاوه بر این، در قانون فرانسه بر خلاف رویه قانون گذار ایرانی، نوع دیگری از نقض قاعده صلاحیت محلی نیز مطرح است که صرفاً بر اساس نوع بزه ارتكابی است و در بحث بعد بدان پرداخته می‌شود.

در ارتباط با سختی و پیچیدگی پرونده، مقرر ۱-۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد:

«در برخی دادگاه‌های شهرستان، قضات تحقیق در یک هیئت (قطب) تحقیقاتی جمع می‌شوند. این قضات در این هیئت تحقیقاتی فقط صالح به انجام تحقیقات در موضوعات جنایی هستند. این قضات همچنین برای رسیدگی به موضوعاتی که بر اساس مواد ۱-۸۳ و ۲-۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ضرورت همکاری قضایی را اقتضا نمایند، صلاحیت دارند...».

گذشته از موضوع بزه‌هایی که در مقرر فوق به آن توجه شده و در اختیارات مقامات مربوطه قرار گرفته است، دشواری و غامض بودن پرونده، سنج‌های دیگر برای نقض صلاحیت از قاضی تحقیق صالح محلی با گستره حوزه صلاحیت او و ارجاع پرونده به مقامات تحقیقاتی است. بر اساس مقرر ۱-۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «هنگامی که شدت یا پیچیدگی پرونده،

این موضوع را توجیه کند، تحقیقات می‌تواند بنا بر شیوه‌های پیش بینی شده در مقرر حاضر، موضوع همکاری قضایی قرار گیرد.... رئیس دادگاه شهرستانی که در آن، هیئت (قطب) تحقیقاتی وجود دارد یا در صورت وجود مانع جانشین او، به مجرد شروع تحقیقات رأساً یا به درخواست دادستانی شهرستان در تقاضانامه ابتدایی، یک یا چند باز پرس را برای الحاق به باز پرس مسئول تحقیقات انتخاب می‌نماید... در مواردی که تحقیقات در مرجعی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود ندارد، در جریان است رئیس دادگاه شهرستانی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود دارد بعد از اعلام عدم صلاحیت باز پرس به نفع هیئت، باز پرس مسئول تحقیقات و یک یا چند باز پرس همکار در موضوعات کیفری را انتخاب می‌کند. این اعلام عدم صلاحیت از تاریخ انتصاب هیئت تحقیقاتی، واجد اثر می‌گردد». (تدین، ۱۳۹۱: ۱۰۲). بر طبق آنچه بیان شد می‌توان گفت: نخست؛ ایجاد گروهی از مقامات قضایی برای همکاری در مواردی که کیفیت یا شدت بزه ارتكابی آن را توجیه نماید امکان پذیر است. دوم؛ تشخیص موضوع در صلاحیت ریاست محکمه شهرستان است. سوم؛ تشکیل گروه‌های همکاری قضایی مذکور به نوعی گسترش محدوده صلاحیت محلی یک باز پرس به عرصه صلاحیت باز پرس دیگر تلقی می‌شود. صلاحیت دادگاه بر اساس گروهی از مقامات قضایی صالح در تحقیق تعیین می‌شود. از این رو، اختیار دادسرا وابسته به صلاحیت دادگاهی است که در حوزه آن هیئت تحقیقاتی ایجاد شده است. حوزه قضایی این گروه‌ها قضایی یا هیئت‌های تحقیقی مشتمل بر تعدادی دادگاه در شهرستان است و ایجاد آنها بر اساس قانون خواهد بود. چهارم؛ تشکیل هیئت‌های تحقیقاتی مذکور، با مراجع رسیدگی - که مقنن به طور ویژه در جرایم خاص پیش بینی نموده است - متفاوت می‌باشد. بطور معمول این گروه‌های تحقیقاتی به منظور سهولت در انجام امور تحقیقی و تعقیبی و با هدف مقابله کارآمدتر با بزه‌هایی که از دشواری‌های ویژه‌ای برخوردارند، تشکیل می‌شوند.

همان طور که پیشتر بیان شد، علاوه بر ایجاد قطب‌های تحقیقاتی ویژه بزه‌های سخت، قانونگذار کیفری فرانسه در چند مورد ویژه نهادهای رسیدگی هم طراز محاکم صالح را بر اساس قواعد عمومی صلاحیت تشکیل داده است. تشکیل دادگاه‌های تخصصی برای بزه‌های ویژه از سال ۱۹۷۵ آغاز شده است و با قانون ۲۰۰۴-۲۰۰۴ مصوب ۹ مارس ۲۰۰۴ سازمان دهی و نظام‌مند شده است.

بعد از تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ در خصوص تطبیق دادگستری با تحولات بزهکاری، نقض قاعده صلاحیت محلی با توجه به نوع بزه افزایش یافته و بر تعداد این مراجع تخصصی افزوده است. برای مبارزه بهتر با جرایم پرخطر، سازمان یافته و پیچیده، «هیئت» هایی مرکب از بخش‌های

تحقیقات پلیسی، تعقیب، تحقیق و دادرسی ایجاد شده است. در این حالت، صلاحیت یک دادگاه شهرستان می‌تواند به حوزه قضایی یک یا چند دادگاه تجدید نظر تسری و توسعه یابد (تدین، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

در بزه‌های ویژه که قانون کیفری آنها را تعیین می‌کند، صلاحیت محلی یک محکمه شهرستان و یک محکمه جنایی، به حوزه صلاحیت یک یا چند محکمه تجدید نظر گسترش می‌یابد. در تقسیم بندی فرانسوی، هشت محکمه بزرگ شهرستان در چهارچوب «محکمه‌های میان منطقه‌ای ویژه»^۱ تشکیل شده اند. این دادگاه‌ها به ترتیب حروف الفبا عبارت اند از: محکمه‌های شهرستان بوردو، فورت دو فرانس، لیل، لیون، ماری، نانس، پاریس ورن. این محکمه‌ها دارای یک صلاحیت هم طراز و نه انحصاری، نسبت به صلاحیتی که در حالت اجرای قواعد عمومی صلاحیت محلی جاری است، می‌باشند. علاوه بر آن، این محکمه‌ها دارای قضاوت تخصصی هستند. نهادها شامل قسمتی خاص از دادرسی و ساختارهایی از تحقیق و دادرسی تخصصی برای کشف بزه‌های تعیین شده هستند.

هر محکمه شهرستان که در چهارچوب دادگاهی میان منطقه‌ای ایجاد شده است. دادستان استان و رئیس محکمه تجدید نظر، بعد از کسب نظر دادستان شهرستان و ریاست دادگاه شهرستان، یک یا چند قاضی دادرسی، باز پرس‌ها و قضاوت مسئول ویژه تحقیق، تعقیب و رسیدگی را مشخص می‌کنند. در اینجا دیگر دخالتی از طرف شورای عالی صاحب منصبان قضایی وجود ندارد. این مراجع تخصص‌های زیر را دارند: «جرائم اقتصادی و مالی، جرائم مربوط به بهداشت، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرائم سازمان یافته، آلودگی آب‌ها توسط پساب کشتی‌ها».

برخی معتقد هستند که، محکمه‌های کیفری خاص در مورد تروریسم در واقع محکمه‌هایی ویژه هستند که به منظور وقایع تروریستی استثنایی در سال ۱۹۸۶ در فرانسه تشکیل شده‌اند و سپس تبدیل به محکمه‌های دائمی خاص شده اند و دادگاه‌های ویژه در حوزه جرائم اقتصادی و مالی، قاچاق مواد مخدر و... با الگوبرداری از محکمه‌های خاص جنایی در عرصه تروریسم تشکیل شده‌اند (گزی،^۲ ۲۰۰۳: ۱۰۶).

۳. بنیان نقض صلاحیت‌ها

¹ Specialised Interregional Jurisdictions.

² Gozzi.

پس از صدور قرار جلب به دادرسی توسط بازپرس یا دادیار و موافقت دادستان با آن و صدور کیفرخواست، پرونده متهم جهت محاکمه و صدور حکم به مرجع رسیدگی و حکم، یعنی دادگاه، ارسال می‌گردد. با این اقدام، دادستان رسماً از مرجع مذکور می‌خواهد که متهم را با توجه به دلایلی که علیه او جمع آوری نموده، محاکمه کرده و حکم به محکومیت او صادر نماید. کیفرخواست به همراه پرونده، توسط دادستان به مرجع صالح به رسیدگی ارسال می‌گردد. مسأله صلاحیت مرجع رسیدگی کننده موضوع مهمی است که دادستان باید به هنگام ارسال کیفرخواست و تقاضای مجازات متهم، و نیز مرجع رسیدگی به هنگام بررسی پرونده و صدور حکم، آن را رعایت کنند. در واقع، اصولاً قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت از جمله قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است که کلیه مراجع قضایی، اعم از مراجع تعقیب و مراجع حکم، موظف به رعایت آن هستند و تخلف از آنها جایز نیست.

ارتباط قوانین صلاحیت با نظم عمومی نتایجی را به دنبال دارد. نخست آنکه افراد ذینفع در رسیدگی کیفری نمی‌توانند برخلاف آن با یکدیگر تراضی نمایند و بدینوسیله با توافق یکدیگر، مقررات مربوط به صلاحیت را نقض کنند. دوم آنکه، اعتراض به صلاحیت مرجع رسیدگی در هر مرحله از روند رسیدگی امکان پذیر بوده و از لحاظ زمانی مقید و محدود به زمانی خاص، مثلاً اولین جلسه رسیدگی، نمی‌باشد. سوم آنکه مرجع رسیدگی باید بدواً صلاحیت خود را برای اینکار احراز نموده و در صورت عدم صلاحیت از رسیدگی به موضوع خودداری نماید و در این کار نمی‌تواند در انتظار ایراد عدم صلاحیت یکی از افراد ذینفع در پرونده باشد. آخر آنکه، اصولاً رأی صادر شده توسط مرجع فاقد صلاحیت، بی اعتبار بوده و در مرجع تجدیدنظر قابل نقض است، هر چند که آن رأی از لحاظ محتوا به درستی صادر شده باشد.

در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه، نقض از صلاحیت‌ها در مواردی خاص صورت می‌پذیرد که در خصوص هر یک از انواع صلاحیت‌های ذاتی، محلی، نسبی و شخصی فلسفه آن متفاوت است. در خصوص صلاحیت ذاتی با بررسی هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه در می‌یابیم که صلاحیت ذاتی در این نظام‌ها با نظم عمومی گره خورده و قواعد آن از جمله قوانین آمره بوده و در اجرا تغییر ناپذیر است و تخلف از قواعد آن موجب بطلان مطلق هرگونه تصمیمی است که از آن حاصل می‌شود. علاوه بر این، بر اساس اشتراکات نظام کیفری ایران و فرانسه در بحث صلاحیت ذاتی، مهمترین مبنا در تفکیک و تشخیص صلاحیت ذاتی دادگاه، نوع بزه ارتكابی و میزان مجازات است. به عنوان نمونه طبق رای وحدت رویه شماره ۶۷۶ دیوان عالی کشور در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده دادگاه‌های عمومی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز

رسیدگی خواهند نمود. با این تقدیر اصل صلاحیت قانونی دادگاه محل وقوع بزه، در صورت عدم تشکیل دادگاه انقلاب پذیرفته شده و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و سوم در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح تشخیص می‌گردد. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که نقض از اصل مهم صلاحیت ذاتی در مواردی همچون اهمیت بزه ارتكابی، صدور رأی تجمیعی و رعایت قواعد تعدد بزه مجاز است.

از سوی دیگر، در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه، مبنای تعیین صلاحیت محلی، محل وقوع بزه یا دستگیری متهم است و مهمترین عامل موجه در توجیه نقض از اصل صلاحیت محلی در هر دو کشور، رسیدگی بهتر به اتهامات متهم و افزایش کارآمدی سامانه عدالت کیفری است و آنچه این افزایش بهره‌وری را بهتر تامین می‌کند، پیش بینی دادرها و محکمه‌های ویژه هم طراز دادرها و محکمه‌هایی است که مطابق قواعد کلی صلاحیت محلی، مشروع و صالح هستند. از سوی دیگر، در موارد افتراقی نقض از صلاحیت‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دو کشور، در نظام کیفری فرانسه بر خلاف نظام کیفری ایران، ضابطه و معیار صلاحیت محلی، نه فقط محل وقوع بزه بلکه محل اقامت یکی از اشخاص مظنون به مشارکت در بزه، همچنین محل دستگیری یکی از این اشخاص (حتی اگر این دستگیری به دلیل دیگری باشد) و محل بازداشت یکی از این اشخاص (حتی هنگامی که بازداشت به علت دیگری صورت گرفته باشد) تعیین گردیده است که بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری ایران، شرایط سهل‌تری برای صلاحیت محلی در نظر گرفته است. علاوه بر اینها، در زمانی که دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، شروع به رسیدگی نماید، پس از شروع به رسیدگی طبق مقرر ۴۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید، که در این خصوص می‌توان گفت فلسفه نقض از صلاحیت محلی در این خصوص صرفاً شدت بزه ارتكابی است چرا که جرایم مطرح شده در مقرر ۳۰۲ همگی جرایمی هستند که شدید، سنگین و جنایی محسوب گردیده و دارای مجازات‌های شدیدی نسبت به سایر جرایم می‌باشند که به اعتبار شدت بزه ارتكابی، مقنن دادگاه دارای صلاحیت ذاتی شروع کننده به یکی از جرایم مذکور را با نقض صلاحیت محلی واجد صلاحیت رسیدگی می‌داند.

علاوه بر این، در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه، صلاحیت شخصی، براساس شخصیت مرتکب تعیین می‌شود و قانون رسیدگی به اتهامات افراد معینی را در صلاحیت مرجع خاصی قرار می‌دهد، و این صلاحیت صرفاً در تغییر صلاحیت محلی موثر است. همچنین، در نظام کیفری فرانسه، نقض از صلاحیت شخصی در مواردی که بزه ارتكابی اتباع فرانسه در خارج از قلمرو فرانسه

از درجه جنایت یا جنحه نباشد و همچنین زمانی که بزه ارتكابی از نوع جنحه در کشور محل وقوع آن، بزه و قابل مجازات تلقی نشود، پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر، بر خلاف نظام کیفری ایران، در نظام کیفری فرانسه نقض از صلاحیت شخصی در مواردی همچون عدم شکایت شاکی و عدم صلاحیت دادسرا برای مناسب بودن تعقیب پیش‌بینی شده است که مربوط به افتراقات نقض از صلاحیت‌ها در نظام کیفری ایران و فرانسه می‌باشد.

از سوی دیگر، صلاحیت نسبی^۱ نیز در مواردی همچون صلاحیت دادگاه‌های کیفری نسبت به دادگاه‌های حقوقی محل اتکا قرار می‌گیرد. با مقایسه مصادیق صلاحیت نسبی در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه در می‌یابیم که در مجموع در این دو نظام کیفری، صلاحیت نسبی بر اساس شایستگی هر یک از مراجع کیفری که دارای صلاحیت‌های ذاتی و محلی باشند، بر اساس اهمیت بزه و میزان مجازات آنها تعیین می‌گردد. از سوی دیگر، در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، نقض از صلاحیت نسبی در مواردی همچون سمت ارتکاب، شرایط عمومی و نوع بزه ارتكابی پیش‌بینی شده است که افتراقات مربوط به نقض از صلاحیت‌ها در نظام کیفری ایران و فرانسه را تشکیل می‌دهند. در حقوق فرانسه صلاحیت نسبی ضمن قواعد صلاحیت ذاتی آورده شده است. هر چند برخی حقوق دانان صلاحیت محلی و نسبی را مترادف و واجد یک معنا می‌دانند، اما این دو صلاحیت تفاوت‌های جزئی با یکدیگر دارند. در واقع صلاحیت نسبی در دعاوی ای مطرح است که از نظر موضوع خواسته یا حد نصاب خواسته یا میزان خواسته تعیین می‌گردند. منظور از موضوع خواسته عبارتند از چیزی که خواهان به طرفیت خواننده مدعی آن است. مانند دعوا تخلیه، خلع ید و... و مقصود از بهای خواسته یا حد نصاب خواسته، میزان و ارزش خواسته چیزی است که موضوع ادعا واقع شده است. متداعین می‌توانند با تراضی یکدیگر از صلاحیت نسبی نقض کنند. در دعاوی کیفری نیز برای برخی جرایم بسته به میزان و شدت بزه، صلاحیت کیفری نیز تغییر می‌کند. به عنوان مثال، بر اساس مقرر ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل تحت صلاحیت دادگاه انقلاب است. در واقع دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است زیرا به موجب قانون فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم محدود و خاص را دارد و در خارج از آن چارچوب صلاحیت رسیدگی آن را ندارد. در واقع اصل بر این است که دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مواد مخدر را دارد، مگر در مواردی که در مقرر ۳۰۳ تصریح شده است. به عنوان مثالی دیگر بر اساس مقرر ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با

^۱ Relative jurisdiction

میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن در صلاحیت کیفری یک می‌باشد. در صورتیکه دیه کمتر از میزان مذکور باشد در صلاحیت دادگاه کیفری دو خواهد بود. در مقابل صلاحیت محلی صلاحیتی را شامل می‌شود که به اعتبار محل استقرار دادگاه تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، دعاوی مربوط به هر حوزه قضائی در دادگاه مستقر در همان حوزه مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در مجموع با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت که فلسفه و علت اینکه در هر دو نظام کیفری مانند نظام کیفری اکثر کشورها در مواردی دادگاه‌ها خارج از اختیارات خود چه از نظر ذاتی، محلی، نسبی و شخصی اجازه رسیدگی به پرونده‌هایی داده می‌شود دلایل متعددی از طرف قانون‌گذاران دو کشور وجود دارد که عمده نظر قانون‌گذار برای خروج از این صلاحیت‌ها را می‌توان با دلایل زیر توجیه نمود:

در مواردی قانون‌گذار برای جلوگیری از تعدد پرونده‌ها و اجتناب از اطاله دادرسی و رسیدگی همزمان به جرایم متعدد و یا متهمین متعدد این رسیدگی را به یک دادگاه بالاتر واگذار نموده است. در مواردی برای جلوگیری از سوءاستفاده از اشخاصی که دارای سمت‌های اداری می‌باشند و یا محل کار آنها در منطقه‌ای خاص بوده و یا حفظ نظم عمومی و رسیدگی بهتر به پرونده دادگاهی را صالح به رسیدگی دانسته است.

در مواردی قانون‌گذار چون کلیه اطلاعات یک موضوع و بزه در دادگاهی موجود و یا آن دادگاه تسلط بیشتری به شرایط حاکم بر پرونده دارد و یا رسیدگی همزمان و رای دادگاه کیفری تاثیر مستقیم بر موضوعی که گاهی حقوقی حتی می‌باشد دارد و نتیجه مطلوب‌تری حاصل خواهد شد، رسیدگی به جنبه‌های دیگر را نیز در صلاحیت همان دادگاه قرار داده است.

در مواردی که قانون‌گذار حسب شرایط به این نتیجه رسیده است که اگر این صلاحیت اضافی را به دادگاه دیگر ندهد و پس از رسیدگی طولانی نتواند در مورد موضوعی کم‌اهمیت‌تر از آنچه اول در پرونده مطرح بود رای صادر کند، موجبات افزایش هزینه‌های اضافی برای دستگاه قضا و همچنین رنج مضاعفی برای اصحاب دعوا خواهد شد که با افزایش و تغییر بعضی از صلاحیت‌ها موجبات رسیدگی عادلانه‌تر و سریع‌تر و رای قابل قبول‌تر به وجود خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

آنچه اساساً می‌تواند نقض صلاحیت کیفری را توجیه کند، رسیدگی بهتر به پرونده و افزایش کارآمدی سامانه عدالت کیفری است و آنچه این افزایش بهره‌وری را بهتر تامین می‌نماید، پیش‌بینی مراجع ویژه هم طراز نهادهایی است که مطابق قواعد کلی صلاحیت، دارای اختیارات قانونی

هستند. در سیستم حقوقی فرانسه گروه‌های تحقیقاتی با نهادهای تخصصی قضایی، به شرط اینکه تبدیل به محکمه‌های ویژه متناقض با قاعده صلاحیت ذاتی نشوند و همچنین حق‌هایی کمتر از آنچه در نظام قضایی عام برای طرفین دعوی به ویژه متهم پیش بینی شده است، تعیین نگردد، می‌توانند باعث افزایش کارآمدی سامانه عدالت کیفری و مقابله بهتر به ویژه با طرق نوین بزهکاری گردند.

علاوه براین، در نظام کیفری ایران، در بحث صلاحیت ذاتی، قانونگذار استثنائاتی را در خصوص تعدد اتهام بر حسب بزه مهم‌تر در نظر گرفته است بطوریکه پس از درجه‌بندی مجازات‌ها از حیث شدت و ضعف، کیفر حبس را بر دیگر مجازات‌ها از جمله جزای نقدی مقدم دانسته است. نتیجه آن که چون درجه مجازات تعیین‌کننده صلاحیت دادگاه‌هاست و مجازات‌ها نیز بر اساس ضعف و شدت در مقرر ۱۹ قانون مجازات اسلامی به درجات هشت‌گانه تقسیم شده‌اند و در حالت تعدد مجازات، کیفر حبس، مجازات اشد تلقی می‌شود بنابراین در صورت تعدد مجازات‌ها باید کیفر حبس را ملاک صلاحیت دادگاه‌ها دانست.

در خصوص صلاحیت ذاتی، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، مهمترین مبنا در تفکیک و تشخیص صلاحیت ذاتی دادگاه، نوع بزه ارتكابی و میزان مجازات است. بر اساس اشتراکات نظام کیفری ایران و فرانسه، صلاحیت ذاتی با نظم عمومی گره خورده و قواعد آن از جمله قوانین آمره بوده و در اجرا تغییر ناپذیر است و تخلف از قواعد آن موجب بطلان مطلق هرگونه تصمیمی است که از آن حاصل می‌شود. با این وجود، در نظام کیفری ایران، نقض از صلاحیت ذاتی در مواردی همچون صدور رای تجمیعی و رعایت قواعد تعدد بزه مجاز است. علاوه براین، در خصوص اعتراض شخص ثالث در مورد اموال توفیقی و مصادره شده نیز دادگاه کیفری ضمن نقض از صلاحیت ذاتی خود به دعوی حقوقی مذکور رسیدگی می‌نماید. علاوه براین موارد، در خصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از بزه و رسیدگی به اموال مصادره‌شده بر اساس اصل ۴۹ توسط دادگاه انقلاب نیز از صلاحیت ذاتی نقض می‌گردد در نظام کیفری فرانسه نیز نقض از صلاحیت ذاتی، در موارد محدود و تنها در چارچوب احاله امکان‌پذیر می‌باشد.

علاوه براین، نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که در مورد قاعده نقض از صلاحیت محلی این موضوع که، قاعده مذکور بدون هرگونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعاوی کیفری را به همراه داشته باشد، مورد اتفاق هر دو نظام کیفری است. در واقع لزوم پیش بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارآمدی سامانه قضایی امری مهم به نظر می‌رسد. باید توجه نمود که تشخیص و تأکید بر قواعد حاکم بر صلاحیت به عنوان قواعد غیر

تکمیلی در پروسه دادرسی کیفری، از جمله قاعده صلاحیت محلی به منظور نظم قضایی، به خصوص حفظ حق‌های بنیادین متهم، موضوعی قطعی است. افزون بر این، توجه به موارد نقض قاعده صلاحیت محلی در دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه مؤید این نکته است که قانونگذار فرانسه در سال‌های اخیر تحولات وسیعی در این بحث داشته است. اما، قانونگذار کیفری ایران تغییراتی را در این مورد اعمال نکرده است. از طرف دیگر، نتایج پژوهش موید آن است که قانونگذار ایران همان گونه که در تقسیم بندی موارد نقض صلاحیت محلی بیان شد، غیر از مورد نقض قاعده به اعتبار سمت مرتکب بزه، در موارد دیگر به شرایطی کلی همچون «ملاحظات امنیتی» مانند نظم عمومی اکتفاء کرده است. در مقابل، موارد بسیاری، نقض قاعده به اعتبار نوع بزه ارتکابی در نظام دادرسی کیفری فرانسه مشاهده می‌گردد.

پژوهش پیش رو نیز به مصادیق قابل توسعه در نقض از صلاحیت‌ها در هر دو نظام اشاره داشته است. اصل این موضوع که قاعده صلاحیت کیفری بدون هر گونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعاوی کیفری را به همراه داشته باشد، مورد اتفاق هر دو نظام کیفری است. در واقع ضرورت پیش‌بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است. لیکن باید این نکته را مدنظر قرار داد که تعیین و تأکید بر قواعد صلاحیت به عنوان قواعد آمره در فرایند دادرسی کیفری، به هدف استقرار نظم قضایی و به ویژه حفظ حقوق متهم، امری مسلم و پذیرفته شده است. نگاهی به مصادیق نقض از صلاحیت‌ها در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مؤید این نکته است که به رغم مقتن فرانسوی که در سال‌های اخیر تحولات وسیعی در این بحث داشته، مقتن ایرانی به ویژه در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی که موارد آن نیز محدود است و بتوان آن را منشأ تحول دانست، صورت نداده است. پیشنهاد می‌شود قانون آئین دادرسی کیفری ایران همانند قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، حق ابلاغ تصمیمات قضایی را برای احاله پرونده به متهم و شاکی و پیش‌بینی نماید. همچنین قانونگذار لازم است به دگرگونی‌های بزهکاری در دهه‌های اخیر و به خصوص گسترش کمی و کیفی بزه‌های متشکل، سازمان یافته و تروریستی توجه خاص مبذول نموده و شیوه‌های قدیمی را برای رسیدگی به همه انواع بزه‌ها با تحولات معاصر بزهکاری هماهنگ نماید.

علاوه بر این، در نظام کیفری ایران، مهمترین عامل موجه در توجیه نقض از اصل صلاحیت محلی، رسیدگی بهتر به پرونده و افزایش کارایی دستگاه قضایی است و آنچه این افزایش کارایی را بهتر تضمین می‌کند، پیش‌بینی دادرها و دادگاه‌های تخصصی هم ردیف دادرها و دادگاه‌هایی است که مطابق قاعده عمومی صلاحیت محلی، صالح هستند. مشروط بر آنکه تبدیل به

دادگاه‌های اختصاصی متناقض با قاعده صلاحیت ذاتی نشوند و حقوقی کمتر از آنچه در سیستم قضایی عام برای طرفین دعوی به ویژه متهم پیش بینی شده است، تعیین نگردد، در این صورت می‌تواند باعث افزایش کارایی دستگاه قضایی و مبارزه مؤثرتر و بهتر به خصوص با اشکال نوین بزهکاری گردند. در مجموع می‌توان گفت که ضرورت پیش بینی موارد نقض از اصل صلاحیت محلی، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب ناپذیر است. لیکن باید این نکته را مدنظر قرار داد که تعیین و تأکید بر قواعد صلاحیت به عنوان قواعد آمره در فرایند دادرسی کیفری، از جمله قواعد صلاحیت ذاتی و محلی به هدف استقرار نظم قضایی و به ویژه حفظ حقوق متهم، امری مسلم و پذیرفته شده است. در پایان، با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه بر اصل این موضوع که قاعده صلاحیت کیفری بدون هر گونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعاوی کیفری را به همراه داشته باشد، تأکید شده است. در واقع ضرورت پیش‌بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین، با تأسی از نظام کیفری فرانسه، بهره‌گیری از هیئت‌های تحقیقاتی با نهادهای ویژه قضایی، به شرط اینکه تبدیل به محکمه‌های ویژه متناقض با اصل صلاحیت ذاتی نشوند و حق‌هایی کمتر از آنچه در نظام قضایی عام برای طرفین دعوی به ویژه متهم پیش بینی شده است، تعیین نگردد، می‌توان باعث افزایش بهره‌وری سامانه عدالت کیفری و مقابله کارآمدتر با شیوه‌های جدید بزهکاری گردند که اساسا پیش‌بینی چنین هیئت‌های تحقیقاتی، قادر است نقض از صلاحیت کیفری را توجیه نماید. در نتیجه می‌توانیم ادعا نماییم که کلیه فرضیه‌های مطرح شده در پژوهش حاضر مورد تأیید قرار گرفتند.

سختی یا پیچیدگی بزه، به ویژه در پرونده‌هایی که با تعداد زیاد شاکی یا متهم مواجه است و با گستره بزه ارتكابی از نظر آثار و تبعات جغرافیایی یا اجتماعی بالاست، یکی از مصادیق نقض از صلاحیت در نظام کیفری فرانسه است. اقتضا دارد که مانند پرونده‌های ساده و با مشکلات کمتر تنها توسط یک قاضی تحقیق رسیدگی نشده و سازوکارهای مناسب تر و منطبق با واقعیت در مورد آنها وضع گردد. در واقع شیوه‌های رسیدگی سنتی، امروزه جوابگوی مقابله با جرایم جدید که بعضا به صورت بانندی و سازمان یافته یا با ابزارهای مدرن و پیشرفته ارتكاب می‌یابند، نیست. قانونگذار ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (مشابه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸) سیاست جنایی مشابهی را برای بهره‌وری در رسیدگی به پرونده‌هایی که از پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردارند، پیش بینی نکرده است و در همه موضوعات سخن از یک قاضی تحقیق یا باز پرس

است که وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را در همه بزه‌ها، گذشته از شدت و کیفیت آنها بر عهده دارد.

فهرست منابع

- ۱- سپهری، روح الله. (۱۳۹۴). نقض از صلاحیت محلی در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰.
- ۲- قربانیان، عباسعلی، (۱۴۰۰). نقض از صلاحیت‌ها در نظام کیفری ایران و فرانسه، رساله دکتری حقوق کیفری و بزه‌شناسی، دانشگاه آزاد یزد، دانشکده حقوق.
- ۳- کریمی، عباس. (۱۳۹۷). آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات بهمن.
- ۴- جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۲). فرایند دادرسی در حقوق کیفری کنونی، تهران: انتشارات جاودانه، جلد اول.
- ۵- رحمدل، منصور. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر دادگستر.
- ۶- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۷- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۸- تدین، عباس، (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- 1- Gozzi, Marie-Helen. (2003), Le terrorisme, Edition, Ellipses.
- 2- Guinchard, Serge et Jacques Buisson, (2008). Procedure Penal, 4eme edition, Paris, Lexis Nexis Litex.